

و قتی که حکومت حقوق ملت را نقض می کند شورش و انقلاب برای ملت و برای هر دسته ای از ملت مقدس ترین و ناگزیر ترین وظائف است
«از اعلامیه حقوق بشر»

سال اول - شماره ۱۱
دوشنبه ۲۰ خردادماه ۱۳۳۰

توقیف است



آگهی

بیکار کنید بگذارید بجای لکه مذلت دامن کفن شما آغشته بخون باشد، بیکار کنید که مرگ شرافتمندانه هزار بار از زندگی ننگین ستوده تر است
«علی علیه السلام»

اداره : لاله زار کوچه بارید تلفن ۲۲۷۲
نکشمه ۲۰ ریال

جنبش فارس

اطر افیان فاسد و جنایتکار اشرف مارا تهدید بمرگ کرده اند! بذام نکو گر بهیرم رواست

تا محمود فاتح جاسوس و رفیق همکاریش حسین نقی بی مراد در بازگشت کشاوزی باقی باشند انتظاری از این موسسه عام المنفعه نمیتوان داشت

در شماره قبل خوانندگان عزیز خود وعده دادیم که مجددا در اطراف بانک کشاوزی مطالبی باطلاع خوانندگان با وفای خود برسانیم اینک خبرنگار ما اطلاعات زیر را باتماس اشخاص موثرو ذی نفوذ بانک کشاوزی کسب و در اختیار خوانندگان میگذازد.
نقش معلوم الحال در هفته گذشته با شدت عصبانیت مرتبا با اشخاص موثر در تماس بوده و از طرف باند خود که عده ای از آنها در ریاست قسمتهای مختلفه مشغول هستند تقویت میشوند و حتی در نظر داشتند که برای تقویت ارباب خود کاغذ تنظیم و بامضاء کارمندان بانک برسانند از مقام مطالب مندرجه شماره قبل این روزنامه اظهار و انحراف نمایند ولی موضوعی که مانع اینکار شد این بود که یکی از سران این باند مخالف بود و علت اختلاف آن شرح زیر است
این گل سرسبد که در زمان تصدی بقیه در صفحه ۴

مگر فارس بهشت جاسوسان انگلستان است؟
آقای دکتر مصدق گلشنایان خائن باید فوراً احضار و بجرم خیانت بکشور و محاکمه و اعدام شود
اصولا مثل اینکه نباشد که این ملک نثرین شده هیچوقت روی آسایش و آبادی را نیابد
بقیه در صفحه ۴

تعظیم و تکریم از امثال اشرف بردار و مثل بچه های حساسی دنبال کار و کسبی بروند و بی جهت هم دیگر قلم دو «خون» خود را نذر نکنند.
آقای «نامه خوانین» فلاسه میگویند هر معلولی زائیده یک علتی است یعنی از معادل باید بی علت برد مثلا شوا و تیکه یک نفر بیمار ضعیف و نحیف و پریشان مالاریا را می بیند که از شدت تب و بیماری وی دوا می دارد بامرک که نجات میبرد
بقیه در صفحه ۴

من از آنم که وضو ساختم از چشمه عشق تبار تکبیر زدم یکسره برهرچه که بود هم میپان عزیز شهادت مندرجات شماره های روزنامه شورش من از روزیکه برای نجات ملت محروم و ستم کشیده ایران قلم بدست گرفته و وارد این میدان مبارزه خونین و خطرناک شدم تا بحال کلمه ای برخلاف حق و حقیقت و بخاطر حب و پیش شخصی و برای آب و دانه ننوشته ام، من خدا را بشهادت میطلبم که در این مبارزه ملی و اصولی، در این میدان پرشش و فراز جنگ وجدال مبین نظری جز خدمت بخلق و هدای جز خدمت بیپن عزیزم ایران ندارم، من تا بحال قلب و زبان و خامه ام را آلوده باغراض خصوصی نکرده و پس از این هم بیاری خداوند توانا نخواهم کرد، من از روزیکه با دین بیته هو لئلا و تاریک مبارزه گذاشتم قید همه چیز را زدم و مرگ سرخ شرافتمندانه را استقبال کردم، من خوب میدانم چه میکنم و با که درجدم و بسا چه کسی اعلان جهاد را درم، من یقین داشتم که در این راه پرخطری وجود دارد و چه انقبای گزیده می در این بیابان ها خفته اند، من حالت کسی را داشتم که بخواهد با توکل بخدا و ایمان با تکیه بر عمو می، با تجارت و تهور، با اندک کاری و جان بازی برای نجات ملت و مملکت خود را بدهان شیر گرسنه و درنده می بپسند و مقتدرات و جان خود را بخدا و پیش آمد واکذار نماید، بلی من بیهوده این حبسها شکنجه ها، تهمت ها، تازاها، تطمیه ها و تهدید ها را بنسب مالییده و دانسته وارد این صحنه خطرناک مبارزه شدم
من یقین داشتم که اینها اول از در تطمیع وارد شده و باغهای سبز و زمردین پول و مقام زیادی بچشم خواهند کشید میدانم که چون آتش کرم تطمیع آنها در آتش سر زاده بولادین من اثر نخواهد کرد دوستان و یاران نزدیکم را که هر یک بقیعت یک عمر تجربه و تلخ کامی برایم تمام شده اند برانغم خواهند فرستد تا شاید با خواش و تمنا مرا از این راه پرخطر و در عین حال انتخاب آمیز باز دارند
من میدانم پس از اینکه دوستان عزیزم را از من رنجاند و آزرده خاطر کردند و از این کار هم نتیجه می عایدشان نشد ناچار دست تهدید و اولی مانور خواهند زد بلی هم میپان عزیز خدا شاهد است من از اول همه اینها را پیش بینی میکردم و تمام این ماجرا را میدانم و دست و این خائنین بشرم را خوانده بودم
شاید تا بحال چند نامه تهدید آمیز بدو اعضاء دفتر روزنامه رسیده باشد و الساعة در کشوری مزمزم هم موجود است، بعضی از آنها آمیخته با تیش و ناسزا و کلمات رکیک است، بعضی دیگر تهدید آمیخته به نصیحت است، برخی دیگر ما را بجاهای دیگری راهنمایی کرده و اشخاص فاسد دیگری را برای حمله معرفی مینمایند «البته همه بدون امضاء خوشمز تر از همه اینها نامه بدون امضائی است که با خط قرمز نوشته شده و نویسنده آن که کسی جز یکی از همان دلقکها و مسخره های درباری نیست مدعی است که این نامه را با «خون» خود نوشته است ولی معلوم نیست چرا کسیکه با «خون» خود یک نامه دو صفحه می درامینویسد از «امضاء» نامه بیم دارد؟ نویسنده این «نامه خوانین» پس از آنکه هر چه لایق خود و اربابش اشرف خانم است بما نسبت داده بعدا مثل بچه آدم سوال می کند که «ممکن است بسگویند علت مخالفت شما با دربار چیست؟» هر چند من کرا اعلت مخالفت خود را با جاسوسان فاسد و ننگین درباری بتفصیل در مقالات شورش تشریح کرده و توضیح داده ام ولی بالا هم برای اینکه این آقای «نامه خوانین» هم شیرینم بشوند و دست از تلخ و چالپوسی و

پاسخ نامه ها و ناله های مردم
در صفحه ۴

شورش جوانان
سلسله مقالات زیر اقتباس از مقالات (شورش) روزنامه مرد امروز است که چون با سیک روزنامه شورش سازگار است با تغییراتی آنرا نقل میکنیم و امیدواریم مورد توجه خوانندگان با ذوق و رشید شورش قرار گرفته و برای واگون کردن این دستگاه فاسد هیئت حاکمه خائن بامام آهنگ شوند.
در صفحه ۳



شعله های سوزان آتش جنگ سوم از سینه چاههای نفت خوزستان زبانه میکشد!
بقیه در صفحه ۴

شوق جاسوس از ریاست هواپیمائی کشوری برکنار و محاکمه خواهد شد

بطوریکه یکی از نزدیکان دربار اظهار اطلاع میکند شاه اخیراً بی بهانه مردم نسبت باعمال زشت و تشکیک و جنایات شوق عرب «داسوتین ایران» برده و تاجدار را ترغیب و تشویق نموده و حملات منطقی جرائد آزادخواه این جاسوس را کردار انگلیسی از داس اداره هواپیمائی کشور طرد و تحت محاکمه قرار خواهد گرفت سقوط دو هواپیمای اخیر هم باین موضوع کمک و تری کرده است.

شورش: امیدواریم که شاه با طرد شوق جاسوس و محاکمه این عنصر خیانتکار که بدترین و بدترین جوانان مازاد اعدای مملکت گرد و مانند داسوتین دربار ایران را بدین و رسوائی کشیده است بتواند قدم برای نزدیک شدن به ملت و انکار عمومی بر دارد ما انتظار داریم شاه، مانند یک پادشاه دموکرات متکی با افکار عمومی و ملت بشکند: هزارها امثال اشرفهای هرزه و ناهم فداى احساسات پاک و قابل دوام ملت ایران، هزارها مانند اشرف جاسوس فداى افکار عمومی ملت رشید و بیدار ایران، منتظر اقدامات شاه جوان ایرانیم.

یکی از اعضای دولت اخبار هیئت را بوسیله فاتح جاسوس بلندن میرساند
بطوریکه شایع است یکی از اعضاء کابینه همه روزه مخفیانه بمنزل فاتح جاسوس رفت و آمد کرده و اخبار هیئت دولت را بوسیله این مقام جاسوس و پستی در مقابل مبلغ ناچیزی میفرستد و فردا بلندن مخابره میشود.

شورش: نتیجه تشکیل کابینه مشکوک غیرتجاسی جز این نخواهد بود ولی باتمام این تفصیلات تصنیف و حمله بدولت مدقق در چنین موقعی خیانت غیر قابل بخشش است ملت ایران.

هنوز حسابداری نخست وزیری تحویل نشده

تا سواستفاده هائیکه در زمان رژیم آراشده رسیدگی بعمل نیاید
بطوریکه در سواستفاده های گذشته اطلاع دادیم پس از قتل رژیم آرا چون پرونده های زیاد از خرابکاری و سوء استفاده های او و اطرافیان در حسابداری نخست وزیری موجود بود آقای خلیلی عراقی (معاون آقای مهدی) متوجه موقعیت شده و با یک دستبردار ماهرانه کلیه پرونده های حساس را از نخست وزیری میبرد بطوریکه تا این اواخر که آقای بابا پور تصدی حسابداری نخست وزیری را قبول کردند کسی متوجه این قضیه نشد.

و حال که متوجه این جریان شده اند حسابداری نخست وزیری را تحویل ندهند بطوریکه خبر نگار ما تحقیق کرده دستهای مرموزی در کار است که وضع حسابداری نخست وزیری پلانگیف باشد تا در نتیجه پرونده حیف و ملیها تیکه در زمان رژیم آرا صورت گرفته رسیدگی بعمل نیاید ما مانتور که وعده کردیم شاید نمونه ای از اعمال حکومت رژیم آرا را برای خوانندگان عزیز شورش شرح میدهم: در زمان حکومت رژیم آرا که انجمن اقتصادی اسلامی باین آمدند باینکه آخرین سیستم اتومبیل های دولتی در اختیار آنها گذاشته شد ولی از طرف حسابداری نخست وزیری صورت حسابی مبلغ ۶۰۰ هزار ریال بابت مخارج اتومبیل های انجمن مذکور تهیه شده معلوم نیست این مبلغ بچه مصرف آخرین سیستم اتومبیل شده است!

باینکه کلیه این خرج تراشیا با نظر همدیگر مهندسی انجام میگرفته است دو نفر انگلیسی هنگام فیلمبرداری از قاطع حساس در خرمشهر دستگیر شدند

بقرا ریکه خبر نگار ما از خرمشهر خبر میدهد: اخیراً عده ای مامورین انگلیسی در قاطع مختلف نفت خیز مشغول فیلمبرداری از قاطع حساس نفت خیز شده اند

بطوریکه مخبر ما اطلاع میکند روز یازدهم خرداد هم دو نفر از همین مامورین بهرامی یک نفر ایرانی که ظاهراً مترجم آنها بوده بخرمشهر آمده و از بدو ورود با دستگاه مخصوصی که همراه داشته اند شروع ب فیلم برداری از قاطع حساس واسک «میاب» شده اند پس از مدتی که نامبردگان از قاطع مورد نیاز عکس برداری میکنند مقامات انتظامی از جریان مطلع گشته اند و نفر انگلیسی و مترجم آنها را جلب میکنند و بلا فاصله بازجویی بعمل آید و سپس مقامات انگلیسی را از چگونگی امر مطلع ساخته و معلوم میشود دو نفر مذکور کارمندان کنسولگری میباشند که اخیراً این ماموریت بآنها داده شده و بوسیله موتور آبی کنسولگری بخرمشهر آمده اند در بازجویی از یک نفر ایرانی مشارالیه بکلی منکر همکاری با آنها شده و خود را دهنگر معرفی میکنند. نامبردهگان فلا بازداشت و تحقیقات در اطراف قضیه جریان دارد.

خاتم فرور و عیال اسماعیل یعنی هم مارا تهدید میکنند
سرکار علی خان فرور و سرکار عالی حضرت پناه خان اسماعیل یعنی که هر دو از خانهای عقیق و نجیب و محترم این شهر هستند و باتمام جوانان سرمایه و محبت و لطف دارند معلوم نیست روی چه اصولی بدین روزنامه کم الفتات شده و بیکی از وجهه مشتی در محفل انسی امر آید صادر فرموده اند که مارا «ادب کنند»

شورش: خوب حال اگر سرکار علی خان یعنی خیال مدیر محترم و دانشمند ادیب که مردم بیجهت بپشورایشان نسبت های یخودی از قبیل «دزدی» و «دشو خواری» و «دلالتی محبت» کردند در جلوی پانک شاهی در هنگام «مباوت» میدهند خدای نکرده ازمانتجیه باشند و از طرفی چون هنوز هم باغ حسن ایشان و بخیران نرفته است و بر وجهه ها هم ممکن است حرفشان را گوش بکنند

اگر برای ما خط و نشان بکشند جای خود دارد ولی از سر کار خانم عقیقه می مثل عیال جناب آقای فرور خلیلی تعجب است که در این آخر پیری باین دیکت و قیافه باز دست از حرکات پنجاه سال پیششان برنداشته و مرتب در صدد مردم آزادی و خط و نشان کشیدن هستند:

جوب حراج تاتر فردوسی هم زده شد
بطوریکه اطلاع میدهند تماشاخانه فردوسی که اخیراً دیگر از صورت تاتر و تماشاخانه بیرون آمده و تبدیل به یک نگاه مامولانی جنسی شده است مبالغه زیادی از بول هنر پیشگان جوان این مملکت را که بخیال خودشان میخوانند بمال هنر خدمتی کرده باشند بالا کشیده و باعث دلزدگی آنان را فراهم نموده و مرتب در صدد دزدان و سر دزدان هنر پیشگان است و در عوض باین بولهای حلال موسین آن هارشب مشغول عیاشی و هزلگی می باشند.

شورش: خدا لعنت کند مردم بول پرست بی حقیقت این مملکت را که در ان طمع و ارضای حس شهوت خود همه چیز مارا بلجن و رسوائی میکشند و نوبانوگان این مملکت را که باینستی باتشوق و ترتیب برای خدمات ملی و هنری آتیه کشور آماده کردند طوری دلزد و اخورده میکنند که مجبور میشوند دست بدامن الکلی و افیون شوند! ای تف بر این بول پرستان بی حقیقت، ای لعنت بر این بیوجدانهای دهنورتان

جاسوس شرکت سابق نفت در قزوین

از قزوین می نویسند چند شب قبل یک نفر انگلیسی که ماشین سیستم رزور خاکستری رنگ از ساعت ۸ بعد از ظهر تانک و نیم بعد از نصف شب در قزوین کار از شرکت سابق نفت که تا شهر بانی مقدم فاصله دارد بوسیله دستگاه فرستنده ای که در ماشین نامبرده نصب شده بوده مشغول مخابره بود ولی هر چه رئیس نفت قزوین اصرار به پذیرائی میکند مسئول ماشین مورد بحث در منزل خود هنوز مورد قبول واقع نشد و بقیه شب را در ماشین خود بسر برده و ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه بهم خرداد از دروازه سابق تهران که منتهی بپایان نفت میکرد قزوین و تانک گفت ولی موقعیکه مأمورین آگاهی اطلاع از وجود نامبرده پیدا نموده و برای رسیدگی آمدند شخص ناشناس با تومبیلش محل مزبور را ترک گفته بود!

مصاحبه بانواب صفوی رهبر فدائیان اسلام

در این هفته عده ای از خبرنگارین جراید با شهر بانی تماس گرفته و تقاضای مصاحبه با آقای نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام را داشتند ولی از قرار اطلاع در قرا ریکه از طرف باز پرس مشارالیه صادر شد دستور منع ملاقات داده شده و تا بحال هیچکس با ایشان نتوانسته است ملاقات بامصاحبه ای بعمل آورد. و ضمناً بقرار اطلاع روز جمعه عده ای از اعضاء جمعیت فدائیان اسلام در منزل یکی از اعضاء جمعیت جلسه ای داشتند و میخواستند دست بظواهرات ششیدی بزنند ولی مأمورین شهر بانی از محل آنها اطلاع حاصل کرده و ۱۲ نفر از آنها را دستگیر میکنند و بوسیله کامیونی بیژان دستگاه شهر بانی میبرند.

در داخل کامیون مرتباً فریاد میزدند: «زنده باد فدائیان اسلام» «زنده باد رهبر رشید ما حضرت نواب صفوی» مقامات مربوطه تا حال هیچگونه اطلاعی بجزیر نگاران جراید در این موضوع نداده اند.

شورش: ما انتظار داریم هر چه زودتر رفع سوء تفاهم شده و فدائیان اسلام را که با کشتن هژیر و رژیم آرا خان مسیر تاریخ مبهم و غیر معلوم ایران را بطرف نقطه روشن و آشکاری تغییر دادند از زندان شهر بانی که شایسته خائنین و جنایتکاران است آزاد کرده تا اینکه خائنین و وطن فروشان حساب کار خودشان را بکنند و نیز خدمات فرزندان رشید اسلام را تاریخ هیچگاه از یاد نخواهد برد.

در مهمانخانه شهر داری چه خبر است

بدنبال خبری که در هفته گذشته راجع به راکاری مهمانخانه شهرداری شرح دادیم:

اینک بقیه مطالب و زواید هائیکه شده و سوء استفاده می که در زمان تصدی دولت آبادی شهردار سابق رخ داده و تا بحال دولت و شهرداری جلوی اینگونه زواید و دست این باندهای خطرناک را کوتاه نکرده که لطمه جبران ناپذیری به نژاده دولت وارد شده گفتم مهمانخانه شهرداری که چهل هزار متر زمین با سالون های لوکس و متعدد در نقطه حساس و پر جمعیت شهر قرار دارد به محدودیتها که سابقاً در همان مهمانخانه کار گرو و بعداً کارسون و فعلاً مدیر آن می باشد شهرداری در ماه مبلغ دوازده هزار ریال اجاره داده بآنکه کرایه یکماهه آن باتمام مخارج عایدی یکشب آن میباشد.

در هفته گذشته کلیه حق بازی و کلام برداری آنرا از قبیل ورودی بیاض و قمار و بازیهای دیگر و بار وضع کرانی آنرا شرح دادیم و لازم بتوضیح نیست در اینجا اسمی برده شود محمود یحسین مدیر مهمانخانه بدخواه خود قسمتی از باغ کافه را که در حدود پنج هزار متر می باشد به آقای صادق سرمد وکیل دعاوی دربار اجازه داده و مشارالیه هم کتری آنرا ساختمان نموده و شهر مرغان را بوجود آورده و قسمت بیرون آنرا که در خیابان شاهرضا بازمی شود چند درب دکان درست کرده و بدخواه خود و بیبغ شگفتی از هر مغازه می سرقطی گرفته با جاره واکذار و قسمت دیگر آنرا که تقریباً چهار پنج هزار متر می باشد و در آن از چهار راه بپلوی باز میشود به یک نفر برای سرقطی گرفته برای استخر اجاره داده و از باغ مهمانخانه شهرداری از توی همان باغ دیوار کشیده مجزا ساخته در سال گذشته قسمت بیشتر آنرا استخر ساخته و بقیه آن هم در دست انعام است اگر آقای صادق سرمد و یادگیری که استخر ساخته است هر گاه بخواهد یک محلی در دورترین نقاط تهران یعنی قسمت جنوب شهر که زمین آن دارای ارزش نیست شهر مرغان یا استخری بنا کند بجائتا باید پول زمین تنها پنجاه هزار تومان خریداری نماید حال به بینداین دو قطعه زمین که از باغ شهرداری بدون اجازه شهرداری بآنها واکذار شده مدیر کافه چه معامله می بآنها کرده و چه پولهای دریافت نموده است.

فکر کنید مهمانخانه می که چهل هزار متر زمین با ساختمان لوکس و آئینه کاری دقیق و آن همه عایدی بی حساب دارد چرا باید شهرداری آنرا در ماه دوازده هزار ریال اجاره دهد بآنکه این مبلغ عایدی یک عروس صدفی است که در آنجا برقرار می شود و در ماه مرتب پنج شش عروسی می باشد.

باتمام این عواید قسمت فوقانی مهمانخانه که جنب برزن یک میباشد قسمتی از آن خراب شده و بقیه اش در شرف فرو ریختن است و مدیر مهمانخانه اصلاً آنرا تعمیر نمیکند.

اگر دولت و شهرداری آن یک تیکه کوچک را بدخواهد ساختمان نمایندیش از پنجاه هزار تومان خرج دارد تا بصورت اول در آنرا که شهرداری مهمانخانه شهرداری را مثل هتل در بند و سایر مهمانخانه های دولتی خود درست کرد در ماه بیش از پنجاه هزار تومان عایدی دارد و به هزینه دولت زیاد میشود بآنکه برای اداره دولتی تصرف نماید که خود در ماه آن اجاره های سرسام آورده بپردازد.

ما از دولت و شهردار میخواهیم که هر چه زودتر وضع مهمانخانه شهرداری را روشن و اشخاصی که اینطور در اموال دولت بدل و بخشش نموده است رسیدگی و بگیر برساند و مدیر مهمانخانه محمود یحسین که خود سرانه ملک پرازش و گرانپس دولت را اینطور دچار خسارات جبران ناپذیر نموده و مانند ارب مرحوم پدرش به هر کس که میل داشته بدون اجازه شهرداری واکذار نموده تعقیب و خسارات وارده را باز ستاند آقای شهردار این موضوع مهم را رسیدگی و نتیجه را بر سرای دج باین روزنامه بفرستید و ما را دارن کنید بشما که شهردار کابینه آقای دکتر مصدق هستید بسا زبان دیگری صحبت کنیم ضمناً ما منتظر پاسخ و اقدام شهرداری هستیم.

شهر بانی شیراز هم شورش راجع میکند

بقرار اطلاع واسله اداره پست فارس بدستور سرتیب قوامی خائن و جاسوس روزنامه شورش را نگهداشته و مانع از توزیع آن میگردد.

شورش: وقتی مامی نویسیم سرتیب قوامی جاسوس بیگانه در فارس از هر گونه جنایتی فروگذار نمیکند عده ای پیدا شده میگویند مکر قوامی چه کرده است؟

.....

هنوز آتش جنایت معضدی کور در فارس زبانه میکشد
بطوریکه از شیراز اطلاع میدهند روز چهارشنبه گذشته ساعت چهار بعد از ظهر بازم چند کلوله «بازو کا» که بر اثر انفجار انبار مهبات باطراف پراکنده شده بود منفرج گردیده و چند کشاورز که مشغول درو کردن بوده اند بسختی مجروح شده اند گفته میشود تا بحال چهار نفر از آنها فوت کرده و حال چهار نفر دیگر رو بوخامت است.

شورش: بیچاره مردم فارس که باید بچه آتشهای بسوزند و امثال گلشایان خائن بریش آنها بکنند.

امروز نمایندگان لندن بتهران وارد میشوند

بطوریکه خبرنگار ما اطلاع میدهد ممکن است امروز نمایندگان کان شرکت سابق نفت که عبارتند از باوایل جاکسون معاون ریاست شرکت سابق نوبل گیس رئیس کل شرکت، توماس کارانر عضو دولت انگلیس در هیئت مسدیره شرکت و الینگتن متخصص چاههای نفتی برای مذاکره در اطراف نفت وارد تهران شوند.

شورش: ما تصور نمیکنیم مذاکره در اطراف نفت معنی و مفهومی داشته باشد زیرا نفت ایران طبق آراء مجلین شورای و شاملی شد و این آمدورفتها و التی مانو مهیا هم کو چکترین تاثیر در تصمیم خلیل ناپذیر ملت ایران ندارد.

افتتاح شعبه ۵ حزب استقلال

روز سه شنبه ۱۴ خرداد ساعت ۵ ده بعد از ظهر شعبه ۵ حزب استقلال (چهار راه عباسی) با حضور آقای عبدالقدیر آزاد رهبر حزب استقلال و عده ییادی از اهالی محل افتتاح و تالابوی شبیه مذکور با شورش و شغف بی نظیری نصب گردید و عده ای از اعضاء حزب منجمله آقای عبدالقدیر آزاد سخنرانیهای مبسوطی ایراد کردند.

وزیر جنگ توجیه کند

شرح عملیات دوره فرماندهی تی سار سر لشکر معضدی در اصفهان و فارس

یک نفر مدیر روزنامه پول گرفته تا از معضدی دزد حمایت کند

۱- قرار داد گوشت با اینکه گوشت طبق نرخ شهرداری در شیراز یکمن ۴ ریال بوده است در زمان تصدی سر لشکر معضدی گوشت مورد مصرف لشکر شیراز را از قرارداد یکمن ۸۰ ریال قرارداد بسته است از قرا ریکه میگویند روی این قسمت شاید در حدود پانصد هزار تومان سوء استفاده شده است.

۲- مصالح ساختمان کریم خانی را که در حدود دویست هزار تومان ارزش داشته است ببیغ پنجاه هزار ریال فروخته است.

۳- روی ساختمان تپ کازرون که بقاطعه کار برگذار شده است از قرا ریکه در شیراز شایع بوده در حدود یکصد هزار تومان سوء استفاده شده.

۴- شخصی بنام باباخان سرخی که از سارقین معروف فارس است در جنوب شیراز مشغول داهزی بوده و از این راه ثروت هنگفت و سرشاری بدست آورده بود چند ماه قبل طبق دستور دولت و با ستاد ارتش بایشان تامین داده شد که دست از شرارت و داهزی بر دارد بدینکه نامبرده برابر تائینی که سر لشکر باو داد در دهات مشغول ذراعت گردید عده ای از اهالی آنجا به فرمانده لشکر اطلاع میدهند که باباخان دارای ثروت سرشار منجمله دو کونی اسکناس است بنظر دارت و تسلیم ثروت ایشان در صدد بهانه جوئی بر آمدند بدستور سر لشکر حبیب و مسیح شهبازی شایه بر سر آنها ریخته بعد از کشتار زیاد کسان بابا خان را دستگیر و اموال و پول نقد آنها را غارت کردند پس از انجام این عمل حبیب و مسیح شهبازی به پشتیبانی سر لشکر دستور تیر بران چند تن از کسان باباخان را میدهند آنوقت سر لشکر برای این اشخاص که مرتکب جنایاتی شده بودند تقاضای مدال کرد بالاخره میگفتند دو کونی اسکناس قسمت سر لشکر شده است.

۵- در اصفهان نیز کارهای سر لشکر معضدی قابل ملاحظه است در زمان فرماندهی او در اصفهان در سر رشته داری لشکر اختلافاتی کشف شد چند نفر را گرفتند و بهما که کشیدند.

یک نفر از افسران لشکر که در قضیه اختلاس متهم بود ایتحار کرد در محاکمه افسران مکرر گفتگو از سر لشکر معضدی بیان آمد و بنا بود او ابرای توضیحات احضار کنند ولی رجال القیب از این کار جلوگیری کردند و معضدی که سر تیب بود سر لشکر شد.

۶- در ساختمان و تزئین باشگاه افسران اصفهان نیز معضدی مبالغه گرافی سوء استفاده کرد وقتی بنا شد باین موضوع رسیدگی کنند پرونده امر مفقود شد و هنوز که هنوز است قضیه بدون تعقیب مانده است.

معضدی در ایام فرماندهی اصفهان از کوبن قند و شکر بختیاری حق السهم میگرفت و ابولقاسم بختیاری که عنوان حکومت بختیاری را داشت ماهانه دویست هزار ریال بابت حق السهم معضدی میپرداخت.

مسئله عفت و پاکدامنی تیسار اجل بسیار قابل ملاحظه است در اصفهان و فارس همیشه خانه تیسار مرکز ما بهترین بود هفته ای یکبار هواپیمای نظامی از اصفهان بشیراز میرفت برای آنکه رفیق های معضدی را بآنجا ببرد و برگرداند مسئله خرید روغن برای لشکر فارس نیز از مطالب گفنی است در سه سال ماموریت تیسار معضدی تقریباً خرید روغن فارس با اسم احتیاجات سر رشته داری بحال ایشان انحصار داشت و از اینراه مبالغه گرافی بیجیب زدند.

آنچه شایع است از انبار مهبات فارس بیشتر از ۲۷ هزار قبضه تفنگ روده شده که اگر قیمت هر یک از آنها بعد اقل ۱۵۰۰۰ ریال حساب شود تنها از این راه سر لشکر چند میلیون ریال بیجیب زده است.

موقع حرکت از فارس سر لشکر معضدی مبلغی میان اشخاص مختلف تقسیم کرد که بوسائل مقتضی برای برگشت او فعالیت کنند اکنون در تهران نیز مشغول بند و بست است و گویا بچند نفر از متنفذین یک روزنامه نگار نیز مبالغی پرداخته است که از او حمایت کنند.

شورش: آقای وزیر جنگ خیلی اسباب تعجب است که این شخص دزد و خائن را چرا بقصاص اعمال زشت و تشکیکش امیرسانید؟ ما نمیدانیم معنی کینرو باداش در ارتش و کشور چیست؟ آیا سزاوار است یکده از با شرف سربین و پاکدامن ترین افسران کشور بجرم پاکدامنی و درستی بس از یکم خدمت صادقانه در خانه کرایه ای نشسته و تاحنجره زیر قرض باشند ولی معضدی دزد و عطا پور جاسوس پس از اینهمه سرق و رسوائی و کثافتکاری بآزم در خیابانها آزادانه بگردند و ناموس مردم را تعقیب نمایند؟؟ ای تف بر این عدالت اجتماعی و قانون ای لعنت بر این محیط زل پرور لجن زار و سراپا آلوده فساد و ارتشاء

پس قدس نخعی در عراق چه میکند؟

بطوریکه مخبر ما از عراق اطلاع میدهد اخیراً عده از جاسوسهای انگلستان علیه دولت ایران مشغول تبلیغات شوم و خسانان براندازی هستند و گویا یکی دوتا از جرائد عربی را هم تطبیع کرده و با خود همراه نموده اند.

شورش: معلوم نیست قدس نخعی در آنجا مشغول چه کار است؟ ای کاش قدس نخعیها بجای اینکه با خون دل و اشک چشم ملت محروم ایران همه روزه بر تعداد ضیاع و هتار خود بیفزاید و بخون بهای پدرشان با جاره واکذار کنند لا اقل یک سروزن هم بفکر مردم بدبخت و فلک زده کشور و حفظ حیثیت و شئون ملی یک مملکت کینسال و تاریخی بودند: ما بعداً اخباری را که از کشور مستعمره عراق بدست آوردیم مرتب جهت اطلاع خوانندگان عزیز درج خواهیم کرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ستون ورزشی

بقیه از ص ۱

روژنامه شورش تصمیم دارد هر هفته یکی از قهرمانان جوان ورزشی را که موجب افتخار مملکت میباشند بخوانندگان عزیز معرفی نماید و این بار قرعه بنام آقای کتمیری که در مسابقه اخیر با کشتی گیران ترکیه مهارت و استادی فوق العاده‌ای بخرج داد افتاد و در هفته‌های آتی به انشاء الله بترتیب قهرمانان عزیز را بخوانندگان باوفای شورش معرفی خواهیم کرد.

پاسخ بناله ها و
نامه های مردم

تهران
آقای محمد علی خانی
طی نامه مفصلی وضع فلاکت بارخود
را تشریح کرده می نویسد چهار سال
است با داشتن ۱۱ نفر عائله بیکارم و با
اینکه چند مرتبه از طرف دولتهای وقت
مستود رجوع کار بین داده شده ولی
اولیای مربوطه توجهی ننموده روز بروز
بیکارهای ما را تهدید می نماید که می کند.

شورش
آیا بارک نشینانی که شب و روز
بیمش و نوش مشغولند از وضع وقت انگیز
این سحاره ها هم اطلاع دارند؟

آقای حسین گرامی اولاً بعموم
نایندگان اخطار شده که تصفیه حساب
نمایند

در نانی روزنامه گفته برای کسی
فرستاده نشده و همان روز انتشار همیه
نایندگان شهرستانها ارسال میشود منتها
خوشبختانه وضع پست مملکت ما بقدری
مرتب است که منجر باین گونه بیش آمد
ها میشود

شهرضا
آقای ...
از وضع فلاکت بار شهرضا شکایت کرده می نویسد در شهر های دور افتاده اقوام و فامیل و کلای بی موکل بانکاء آنها مرتکب هر نوع جنایتی می شوند و نیز می نویسند ساقین زراعه های تهران در دزدقا لساکن اهال شهرضا میرا بطور رومی باشند

بابل
آقای حسن سعادت نیاکی
از وضع بهداشت آمل شکایت نموده
می نویسند بیمارستان آمل نه درودارد
نه دکتر نه پرستار فقط يك اسكلت ساختمانی
است

شورش
چرا وزارت بهداشت شهرستانها
را تامین نمیکند؟ که بیمارهای خانمانسوز
هر روز چند نفر را بواسطه نبودن دکتر
و دارو از بین ببرد

راهبر داخلجستان
 آقای شیخ قاسم کریمی
 از قریه راهبرد جلستان شکایت
 می کند که چندی قبل سر کرد علی با ای
 مجلی از خراسان بقم آمده و با دست
 داشتن اسلحه گرم بهیروی عده ای ماجرا
 جو باراضی مزعم من ریخته و کلیه محصول
 را بغارت بردند بهرکس شکایت می کنم

شورش
آیا دست قسریّت شدگان مکتوب
ظالمانه رزم آ راکی از سرملت گرفته
ایران قطع خواهد شد؟

تهران
آقای محمد اخباری ار
تهران همینو بسد

با اینکه قریب پنج ماه است که از
هرسافری برای خروج ازم ۲۵۰ ریال
عوارض شهرداری میگیرند خیابانها و
کوچه های این شهر براز کثافت است
و معلوم نیست این مبلغ که در ماه تقریبا
۲۵۰ ریال میشود به مصرف در می آید

شورش
بصرف رژیم غذایی آقای بولیت
جهت لاغری مرشد! ولی ما انتظار داریم
آقای شهردار که مردی وارسته و آبرومند
استند باز موضوعه دقیقاً توجه کنند

آقای استوارم.... می نویسد
یکماه پیش چون لباسهای ارتش را
برای تمیز کردن داده بودم احتیاج به
لباس شخصی پیدا کردم و ژبان مرا شناخت
و بدژبان برد و محرم پوشیدن لباس

شخصی یکماه زندان رفق آيا سازد است
من با سابقه ۲۳ سال خدمت نتوانم لباس
شخصی بپوشم ولی يك سر جوخه نیرو هوایی
که دو سال است وارد ارتش شده میتواند
از لباس شخصی استفاده کند

شورش
بالاخره روزی آتش این تبعیضها
طوری زبانه خواهد کشید که خشک ترانها را
در آن بسوزند.

آقای منصور نوروزی
میزبند
مرحوم علی اصغر نوروزی پدر این
جانب پس از بیست سال خدمت در دستگاه

و در این چهار سال قبل از این طرف وزارت

دکتر صادق پیروز تیزی
مدتی الزهرا غائب خواهد بود از بهر آن معتمد خود تقاضا دارد که در صورت
لزوم به آقای دکتر معتمدی خیابان صباح (۱۰۰ آید مقابل کالج) مراجعه
نمایند.

آنگهی
نظر باینکه بملی توانستم در روزنامه بازاریان همکاری نمایم از این
تاریخ باطلاع عموم میرساند که اینجانب هیچ مسئولیتی در آن روزنامه ندارم.
اصغر — کلهبر

آگهی
دادسرای تهران

بدنبال حادثه پانزدهم بهمن ۲۷ که در تهران وجود اعلام حکومت نظامی شد آقای سرلشکر خسروانی فرماندار نظامی وقت و برخی از مأمورین علاوه بر حبس، تبعید و سلب آزادی مردم بی گناه بسا کمال بی پروائی و منظور اخاذی و ملامت برداری از روی هوی و غرض برخلاف قانون در تمام کارهای عادی اختیاری، دعوای و معاملات مردم دخالت نمودند که به پیوجوه مضبوط محدود اختیارات آنها بود. - از جمله اشخاص از سالها پیش در محاکم دادگستری با چند نفر

دعاوی و اختلافاتی داشتم سرلشکر خسروانی برای اینکه از هر دو طرف با یک طرف اخاذی و کلاهبرداری کند با تهدیدخواست اینجانب را از تعقیب دعاوی خفه خود منصرف نماید و چون نتیجه نگرفت با سوء استفاده از اقتدارات و برخلاف صلاحیت خود یکمهرتبه از ۲۷ تا ۲۷۱۱۲۶ و ۲۷ و بار دیگر از ۲۸۰۲۵ تا ۲۸۰۲۶۱ شخص اینجانب را توقیف غیرقانونی و پس از اخذ اعضاء و اعتراضنامه اجباری نیست بامور مالی و حقوقی آزاد نودند. دلیل سب آزادی

و اینکه توقیف غیرقانونی اینجانب سبب در دست بردار شدن و تجاوز به حقوق من شده است و از آن جهت که با وجود اقرار من به ارتکاب جرم سرشکار خردروانی، من فراموش نمی‌کنم که در دادگاه محاکمه شدیم و پس از صدور حکم نهایی، من را به زندان بستند و تا مدت‌ها در آنجا حبس داشتم. همچنین من را به زندان انتقال دادند و مرا شکنجه کردند و من را به زندان بازگرداندند و من را به زندان بازگرداندند و من را به زندان بازگرداندند.

باتقدم احترامات فائمه - فتح الدين - فتاحی

صدای زنده باد آقای دماوندی
فضای خیابان را پر کرده و دق دق کف
زن مردم هوای پر از گرد و خاک را
می‌رزاند این شخص از محترمین محل و
مورد اعتماد اهالی بود از دحام مردم
بیشتر از صبح برای این بود که شهرت داشت
دماوندی، و عده نظای داده و قصد اقداماتی را

دارد. حتی شهرت داشت که بدوستان محترم و اعوان و انصار و مریدان فدائی خود دستور داده هر کدام اسلحه سنگ یا ساکار و چاقوی برنده‌ای دارند با خود بردارند و انتشار این خبر بود که جمیعت را نگران نموده و زنها از عاقبت شوهران و برداران خود مضطرب و بیمناک بودند.

صدای شیخ فوق‌العاده درس و گیرنده بود چهره او عصبانی و بازاده و دارای علامت و شجاعت و در عین حال اضطراب و نگرانی بود. جمیعت که با کفته های سید آرام شده و شروع بشوخی و مسخرگی کرده بودند تا ظهور شیخ روی منبر

مانند تماشاچیهایی که در سینما از دادن پیش برده کمدی فارغ شده و در انتظار نمایش جدی و جنون‌انگیزی ورودبازیکر عمده را بصحنه می‌نگرند قیافه های جدی بخود گرفته لب ها را از خنده جمع نمودند و نگاههای خود را بطرف ناطق تمرکز

١٠٠

عزیزانه گنیمیری یکی از کشتی گیران فنی و با تجربه میباشد گنیمیری در سال ۱۳۲۱ شروع به کشتی نمود در این مدت هفت بار قهرمان کشتی آزاد و فرنگی کشور شده و هفت مرتبه از دست شاه مدال قهرمانی گرفته است گنیمیری عده زیادی کشتی گیر تربیت نموده از جمله آنها یکی غیب علی نووری و دیگری علی مطلبی کشتی گیران جوانی که اولی در کشتی آزاد و فرنگی و دومی در کشتی فرنگی و برقیان ترك خود فائق آمدند . گنیمیری در شب ۱۷ خرداد با کشتی گیر ترك بهدري بامهارت کشتی گرفت که ثابت شد یکی از بهترین کشتی گیران فنی ایران و در ضمن رقیب خطرناکی برای کشتی گیران خارجی میباشد . با اینکه ساعات کارش طوری است که به سختی میتواند به تمرین پردازد . با این حال مرتب شهادر باشگاه تاج روی تشک کشتی دیده میشود .

سؤال از آقای وزیر دارائی

اداره روزنامه شورش

معطوفات شرح مندرجه در شماره مورخ ۱۳۰۳/۳/۳۰ تجریده دائر بشکایت اهالی

بخش ۱۰ از مدیر مسافرخانه زلاله اش
میدارد بقیسم مربوطه دستور رسیدگی
دقیق صادر کردید نتیجه بعداً باطلاع میرسد
(از طرف رئیس شهربانی کل کشور
سرتمپایروانی
شورش

حقی دریافت داشته رسیدی میبویدی.
از شما میخواستیم که این بر نرود سرا
مخدوش را که شخصی بدون احوال باسو
استفاده از قدرت و نفوذ خود دریافت داشته
بخواهید پس از ملاحظه آن وصفت گفتار
رسیدی که نهائی آنرا بدیوانیکر کارکنان
دولت احوال نمایی.

خیلی تعجب است که دستگاه خیانت
شمار مختاری چه شده که برای اولین مرتبه
بمدرجات یکروزنامه مبارز ملی پاسخ
میدهد ولی در عین حال منصور میگوید
که آقای سرلشکرزاده بتوانند بااین
بروبچههای مختاری که کوچکترین قد
و قامت را دارند در این راه مبارزه

ما تاریدین پاسخ از بانک کشاورزی
و اعلام نتیجه از طرف وزارت دارائی این
سؤال را تکرار خواهیم نمود .

دارائی بسبب ماموریت رفت و ضمن انجام
وظیفه به پروزدنکی گشت و اینجانب با
شنبه ها از خواندن

چهار خواهر و مادر بی سرپرست ماندیم و
تا بحال هر چه شکایت کردیم که کمتری
برای اقاراد دهند متأسفانه نه کسیون
بوده و نه وزارت دارائی هیچکدام ترحمی
نموده اند

شورش
خوبست و زارت دارائی و کبیرون
بودجه قدری فکر کنند که ۶ نفر عائله
یک کارمند کادر حین انجام وظیفه فوت
از چهرای باید امراد معاش کنندو برای
درست کنند. هرگاه در وقت کلفت حیان

آهسته
جزوه
پنج امضاء

بقلم : ن . شمعان
همین هفته منتشر خواهد شد - 7

صاحب امتیاز: رهنما

دیریری و کھولت ہم نیروی جوانی با :

کو کو مالت

بدست میآید

کو کو مالت

کو کو مالت

غذای لذیذ و مقوی پیر مردانی است که
نشاط جوانی و انرژی
ایام قدرت و توانایی
خود را بدست آورند



موسسه شماره

